

هرگاه از نمازش فراغت می‌یافت به پا می‌خواست و سپس روی به قبله می‌کرد و نیز در روز جمعه می‌گفت:

يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ، وَيَا مَنْ يَقْبَلُ مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ، وَيَا مَنْ لَا يَحْتَقِرُ أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ، وَيَا مَنْ لَا يُعَيِّبُ الْمُلِحِّينَ عَلَيْهِ، وَيَا مَنْ لَا تَجِبُهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَّةِ عَلَيْهِ، وَيَا مَنْ يَجْتَبِي صَغِيرًا مَا يُتَحَفُّ بِهِ وَيَشْكُرُ سِيرًا مَا يُعْمَلُ لَهُ، وَيَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَيَجَازِي بِالْجَلِيلِ، وَيَا مَنْ يَدْنُو إِلَى مَنْ دَنَا مِنْهُ، وَيَا مَنْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ عَنْهُ، وَيَا مَنْ لَا يُعَيِّرُ النِّعْمَةَ وَلَا يُبَادِرُ بِالنَّقِمَةِ، وَيَا مَنْ يُثْمِرُ الْحَسَنَةَ حَتَّى يُنْمِيَهَا وَيَتَجَاوَزُ عَنِ السَّيِّئَةِ حَتَّى يُعْفِيَهَا، أَنْصَرَفْتَ الْأَمَالَ دُونَ مَدَى كَرَمِكَ بِالْحَاجَاتِ، وَامْتَلَأْتَ بِفَيْضِ جُودِكَ أَوْعِيَةَ الطَّلِبَاتِ، وَتَفَسَّخْتَ دُونَ بُلُوغِ نَعْنِكَ الصِّفَاتِ.

ای آن که رحم می‌کند به کسی که بندگان به او رحم نمی‌کنند! ای آن که می‌پذیرد کسی را که کشورها او را نمی‌پذیرند! ای آن که نیازمندان درگاهش را، حقیر و کوچک نمی‌شمرد! ای آن که اصرارکنندگان به پیشگاهش را ناامید نمی‌کند! ای آن که دست ردّ به سینه کسانی که عمل خود را در برابر حضرتش بزرگ می‌شمارند نمی‌زند! ای آن که ارمغان و هدیه کوچک را می‌پذیرد و اندک کاری که برایش انجام می‌گیرد، سپاس می‌نهد! و ای آن که عمل کم را قدرشناسی می‌کند و پاداش بزرگ می‌دهد! و ای آن که هر که به او نزدیک شود، به او نزدیک می‌شود! و ای آن که هر که را از او روی گردانده، به سوی خود می‌خواند! و ای آن که نعمت را تغییر نمی‌دهد و به انتقام شتاب نمی‌ورزد! و ای آن که نیکی را به بار می‌نشاند تا آن را بیافزاید و از بدی می‌گذرد تا آن را محو و نابود کند! آرزوها پیش از رسیدن به قلمرو و حوزه کرمت، حاجت روا برگشتند و ظرف‌های طلب به فیض بخششت لبریز شدند و اوصاف پیش از رسیدن به صفت، از هم گسیختند.

فَلَكَ الْعُلُوُّ الْأَعْلَى فَوْقَ كُلِّ عَالٍ، وَالْجَلَالُ الْأَمَجْدُ فَوْقَ كُلِّ جَلَالٍ، كُلُّ جَلِيلٍ عِنْدَكَ صَغِيرٌ، وَكُلُّ شَرِيفٍ فِي جَنْبِ شَرَفِكَ حَقِيرٌ. خَابَ الْوَاثِقُونَ عَلَى غَيْرِكَ، وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ، وَضَاعَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَّا بِكَ، وَأَجْدَبَ الْمُنتَجِعُونَ إِلَّا مِنَ انْتَجَعِ فَضْلِكَ. بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاعِبِينَ، وَجُودُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ، وَإِعَانَتُكَ قَرِيبَةٌ مِنَ الْمُسْتَغِيثِينَ، لَا يَخِيبُ مِنْكَ الْأَمْلُونَ، وَلَا يَبْئَسُ مِنْ عَطَائِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ، وَلَا يَشْقَى بِنِقْمَتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ، رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ، وَحِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ.

برتری در بالاترین مرتبه‌اش که ورای هر برتری است مخصوص توست و بزرگی و عظمت که فراتر از هر بزرگی و عظمت است، ویژه توست. هر بزرگی نزد تو کوچک و هر شریفی در کنار شرف حقیر است. آنان که به سوی غیر تو کوچ کردند، ناامید شدند؛ و آنان که جز تو را خواستند، به خسارت نشستند؛ و آنان که به درگاه غیر تو فرود آمدند، تباه شدند؛ و نعمت خواهان جز آنان که از فضل و احسان تو نعمت خواستند، دچار تهی‌دستی و قحطی شدند. درب رحمتت به روی علاقه‌مندان باز و جود و سخایت برای گدایان رایگان و فریاد رسی‌ات به فریاد خواهان نزدیک است. آرزومندان از تو نومید نمی‌شوند و درخواست‌کنندگان از عطایت مأیوس نمی‌گردند و آمرزش خواهان به کیفیت، بدبخت نمی‌شوند. سفره روزی‌ات برای گنه‌کاران پهن است و بردباری‌ات به جانب کسی که با تو دشمنی ورزید، روی آورنده است.

عَادَتُكَ الْإِحْسَانَ إِلَى الْمُسِيئِينَ، وَسُنَّتُكَ الْإِبْقَاءَ عَلَى الْمُعْتَدِينَ، حَتَّى لَقَدْ غَرَّتْهُمْ أَنَاتُكَ عَنِ الرُّجُوعِ، وَصَدَّهُمْ إِمْهَالُكَ عَنِ النَّزُوعِ، وَإِنَّمَا تَأْتَيْتَ بِهِمْ لِيَفِيؤُوا إِلَى أَمْرِكَ، وَأَمَهَلْتَهُمْ ثِقَةً بِدَوَامِ مُلْكِكَ، فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَتَمْتَ لَهُ بِهَا، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ خَذَلْتَهُ لَهَا، كُلُّهُمْ صَائِرُونَ إِلَى حُكْمِكَ، وَأُمُورُهُمْ أُنْتَلَتْ إِلَى أَمْرِكَ، لَمْ يَهْنِ عَلَى طَوْلِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ، وَلَمْ يَدْحَضْ لِتَرْكِ مَعَاجِلَتِهِمْ بُرْهَانُكَ.

عادتت احسان به بدکاران و راه و شیوه تو مهلت دادن به تعدی‌کنندگان است تا جایی که بردباری‌ات، آنان را از بازگشت و توبه به درگاهت فریب داده و غافل ساخته؛ و مهلت دادنت، ایشان را از خودداری از گناه باز داشته. جز این نیست که آنان را فرصت دادی، به خاطر این‌که به فرمانت بازگردند؛ و برای اطمینان به دوام فرمانروایی‌ات مهلت‌شان دادی؛ پس آن‌که اهل سعادت بود، فرجام کارش را به سعادت ختم کردی؛ و آن‌که اهل بدبختی بود، به بدبختی‌اش واگذاشتی. همه اینان، چه سعادت‌مندان و چه شقاوت‌مندان به حکم و حکومت تو باز می‌گردند؛ و کارشان منتهی به فرمان تو می‌شود. طولانی شدن زمان زندگی گنه‌کاران، قدرت پادشاهی‌ات را سست نمی‌کند؛ و شتاب نوزیدن در عقوبت و بازپرسی آنان، برهان و دلیلت را باطل نمی‌سازد.

حُجَّتُكَ قَائِمَةٌ لَا تُدْحَضُ، وَسُلْطَانُكَ ثَابِتٌ لَا يُرْوَلُ، فَالْوَيْلُ الدَّائِمُ لِمَنْ جَنَحَ عَنكَ، وَالْخَبِيئَةُ الْخَادِلَةُ لِمَنْ خَابَ مِنْكَ، وَالشَّقَاءُ الْأَشْقَى لِمَنْ اغْتَرَّ بِكَ، مَا أَكْثَرَ تَصَرُّفَهُ فِي عَذَابِكَ، وَمَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِي عِقَابِكَ، وَمَا أَبْعَدَ غَايَتَهُ مِنَ الْفَرَجِ، وَمَا أَقْنَطَهُ مِنْ سَهْوَةِ الْمَخْرَجِ، عَدْلًا مِنْ قَضَائِكَ لِاتِّجَورٍ فِيهِ، وَإِنْصَافًا مِنْ حُكْمِكَ لِاتِّحِيفٍ عَلَيْهِ.

حجت استوار و پابرجاست و باطل نگردد؛ و پادشاهی‌ات ثابت و همیشگی است و از بین نمی‌رود؛ پس عذاب همیشگی بر کسی که از تو روی تافت و نومیدی ذلت‌بار برای کسی که از تو نومید شد و بدترین تیره‌بختی برای

کسی که به رحمت و کرم تو مغرور گشت. چه بسیار دگرگونی‌هایی که در عذابت برای او هست و چه بسیار زمان طولانی و درازی که در عرصه کیفیت رفت و آمد خواهد داشت؛ و فرج و گشایش از چنین انسانی چه اندازه دور است و از رهایی یافتن از دوزخ، به آسانی و سهولت، چه بسیار ناامید است. این مجازات‌ها، بر اساس عدالت در داوری توست که در آن ستم نمی‌کنی؛ و از انصاف در فرمان توست که بی‌عدالتی در آن روا نمی‌داری.

فَقَدْ ظَاهَرْتَ الْحُجَجَ، وَأَبْلَيْتِ الْأَعْدَارَ وَقَدْ تَقَدَّمْتَ بِالْوَعِيدِ، وَتَلَطَّفْتَ فِي التَّرْغِيبِ، وَضَرَبْتَ الْأَمْثَالَ، وَأَطَلْتَ
الْإِمْهَالَ، وَأَخَّرْتَ وَأَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلْمَعَاجِلَةِ، وَتَأَنَّنَيْتِ وَأَنْتَ مَلِيٌّ بِالْمُبَادَرَةِ، لَمْ تَكُنْ أَنْاتَكَ عَجْزًا، وَلَا إِمْهَالَكَ وَهَنًا،
وَلَا إِمْسَاكَكَ غَفْلَةً، وَلَا انْتِظَارَكَ مُدَارَاةً، بَلْ لِتَكُونَ حُجَّتَكَ أَبْلَغَ، وَكَرَمَكَ أَكْمَلَ، وَإِحْسَانَكَ أَوْفَى، وَنِعْمَتَكَ أَتَمَّ، كُلُّ
ذَلِكَ كَانَ وَلَمْ تَزَلْ، وَهُوَ كَائِنٌ وَلَا تَزَالُ،

همانا حجّت‌هایت را برای بیداری مردم، پی‌درپی آوردی و دلیل و عذرت را به سوی آنان فرستادی و تهدیدت را یادآور شدی و در ترغیب بندگان به ایمان و عمل، لطف و مدارا را به کار گرفتی؛ و برای بیداری آنان، مثل‌ها زدی؛ و مهلت به مردم را طولانی کردی. کیفر را به تأخیر انداختی، در حالی که بر شتاب به عذاب توانا بودی؛ و فرصت دادی در صورتی که بر عجله قدرت داشتی. نه درنگ کردنت از روی ناتوانی بود، و نه مهلت دادنت از باب سستی و نه دست ننگه داشتنت به خاطر غفلت بود و نه انتظار کشیدنت از مدارا نمودن، بلکه برای این بوده که حجّت رساتر و بزرگواریات کامل‌تر و احسانت فراگیرتر و نعمتت تمام‌تر باشد. همه آن بوده است و تو همچنان بوده‌ای و آن خواهد بود و تو پیوسته وجود داری،

حُجَّتَكَ أَجَلٌ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِكُلِّهَا وَمَجْدُكَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ يُحَدَّ بِكُنْهِهِ، وَنِعْمَتُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى بِأَسْرِهِا، وَإِحْسَانُكَ
أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكَرَ عَلَى أَقْلِهِ، وَقَدْ قَصَرَ بِي السُّكُوتُ عَنْ تَحْمِيدِكَ، وَفَهَّيْنِي الْإِمْسَاكَ عَنْ تَمْجِيدِكَ، وَقُصَّارَى
الْإِفْرَارِ بِالْحُسُورِ، لَأَرْغَبَهُ يَا إِلَهِي بَلْ عَجْزًا، فَهَا أَنَا ذَا أَوْمُكَ بِالْوَفَادَةِ وَأَسْأَلُكَ حُسْنَ الرَّفَادَةِ.

حجّت برتر از آن است که بتوان همه آن را به دایره وصف کشید و بزرگیات بالاتر از آن است که بتوان به عمق و ژرفای آن رسید و نعمتت بیش از آن است که به شماره درآید و احسانت افزون‌تر از آن است که کمترینش سپاس شود. مرا دچار تقصیر نمود خاموش ماندن از سپاست، و خودداری کردن از بزرگ‌شماریات مرا درمانده و ناتوان کرده؛ و نهایت قدرتم این است که به درماندگی از سپاست اقرار کنم. ای خدای من! این درماندگی از سپاس، نه از بی‌رغبتی، بلکه از ناتوانی من است، اینک منم که آمدن به درگاه تو را قصد می‌کنم و از حضرتت توقع پذیرایی نیک دارم.

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاسْمَعْ نَجْوَايَ، وَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَلَا تَخْنِمْ يَوْمِي بِخَيْبَتِي، وَلَا تَجْهِنِي بِالرَّدِّ فِي مَسْأَلَتِي،
وَأَكْرِمْ مِنْ عِنْدِكَ مُنْصَرَفِي، وَإِلَيْكَ مُنْقَلِبِي، إِنَّكَ غَيْرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِيدُ، وَلَا عَاجِزٍ عَمَّا تُسْأَلُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

پس بر محمد و آلش درود فرست و رازم را بشنو و دعایم را مستجاب کن و روزم را به نومییدی ختم مکن و نسبت به گدایی ام، دست ردّ به سینه ام نزن؛ و رفتنم را از نزدت و بازگشتم را به سویت، گرامی دار؛ زیرا هر چه را اراده کنی، از انجامش دچار سختی نمی شوی؛ و در برآوردن آنچه از تو خواسته شود، ناتوان نمی باشی؛ و تو بر هر کاری توانایی و حول و قوه ای نیست، جز به خدای بلندمرتبه بزرگ.